

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم

بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شعر از لاهوتی
فرستنده : جاوید
۰۷ دسمبر ۲۰۱۷

[بی نصیب]

به جمعی گفت دهقانی ستمکش
تمام عمر خود ، زحمت کشیدم
نه گاوی تا از او شیری بدوشم
کشم من رنج و مالک می برد سود
جهان بردوش من ، القصه ، باریست
شنید این قصه را "عیسائی" * و گفت
ز بی گاوی کند او شکوه و من
اگر چه او کند خدمت به مالک
برای مطبخش من می کشم خار
خود او ، بردوش من بار است و دنیا
غم من را تماشا کن که دایم

که بدبخت و پریشان روزگارم
ولیکن حاصلی جز غم ندارم
نه مرزی تا در آن تخمی بکارم
پی نان ، روز و شب اینست کارم
من اندر زیر آن ، زار و نزارم
سزد از دیده گر من خون ببارم
نباشد جامه در تن جز ایزارم **
ولی من پیش او خدمت گزارم
به نفع او خلد بر پای خارم
که بر دوشش بود ، - سر بار بارم
جهان بردوش را ، بردوش دارم !

شافرانوا ۱۹۳۰

* عیسائی فرزند مهرباب از مردم دهکده چناقچی علیا ، محال قره قان
** ایزار آنچه بدن را بپوشاند لنگ تنبان شلوار

ستالین آباد ۱۹۲۹